



A Comparative Study of Children's Sport in Iran and Selected Countries

Amirhesam Hajilou*, Gholamali Kargar, Habib Honari, Javad Shalae Bagheri

Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Allameh Tabatabaei University

* Corresponding author: hajilou58@gmail.com

Received: 2026-01-06

Accepted: 2026-02-14

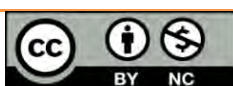
Publication: 2026-02-20

Abstract

The purpose of the present study was to conduct a comparative analysis of children's sport in Iran and selected countries. This research is a comparative study with a qualitative approach, and the data were collected from documents and records, guidelines, articles, research projects, and internet-based resources related to children's sport in the selected countries. The data were analyzed using George Breeders comparative model through four stages: description, interpretation, juxtaposition, and comparison. After data collection and analysis, the identified actions related to children's sport in the countries under study were classified into seven areas: relevant organizations, the existence of upstream policy documents, governance structure, policy objectives, sport facilities, human resources, and monitoring and evaluation. The findings of the present study indicate that the children's sport system in the Islamic Republic of Iran, compared to the selected countries, faces fundamental challenges in the areas of multi-sect oral governance, institutional coordination, utilization of technology, development of specialized human resources, and the monitoring and evaluation system. These results can be utilized by responsible and policy-making institutions in the field of children's sport, and managers of these organizations can draw on the experiences of the countries examined in the present study, as well as leading countries in children's sport, and implement them in their future programs.

Keywords: Comparative study, George Bereday, Childrens sport, Sport governance structure

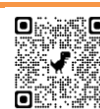
© 2019 Journal of New Approach to Children's Education (JNACE)



This work is published under CC BY-NC 4.0 license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Hajilou, A, et al. (2026). A Comparative Study of Children's Sport in Iran and Selected Countries. *JNACE*, 7(4): 175-188.





مطالعه تطبیقی ورزش کودکان در ایران و کشورهای منتخب

امیرحسام حاجیلو*، غلامعلی کارگر، حبیب هنری، جواد شهلائی باقری

دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبائی

* نویسنده مسئول: hajilou58@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵ تاریخ چاپ مقاله: ۱۴۰۴/۱۲/۰۱

چکیده

هدف از پژوهش حاضر مطالعه تطبیقی ورزش کودکان در ایران و کشورهای منتخب بود. این پژوهش مطالعه‌ای تطبیقی با راهبردی کیفی است و داده‌ها از اسناد و مدارک، دستورالعمل‌ها، مقالات، طرح‌های تحقیقاتی و منابع اینترنتی مرتبط با ورزش کودکان کشورهای منتخب، جمع‌آوری و با الگوی تطبیقی جورج بردی در چهار مرحله توصیف، تفسیر، همجواری و مقایسه تحلیل شده‌اند. پس از جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، اقدامات شناسایی شده در راستای ورزش کودکان در کشورهای مورد مطالعه در هفت بخش سازمان‌های مرتبط، وجود اسناد بالا دستی، ساختار حاکمیت، اهداف سیاست‌گذاری، امکانات ورزشی، نیروی انسانی و پایش و ارزیابی طبقه‌بندی شدند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نظام ورزش کودکان در جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با کشورهای منتخب، با چالش‌های بنیادین در حوزه حکمرانی چند بخشی، هماهنگی نهادی، بهره‌گیری از فناوری، تربیت نیروی انسانی متخصص، و نظام پایش و ارزیابی مواجه است. این نتایج می‌تواند مورد بهره‌برداری نهادهای مسئول و سیاست‌گذار در حوزه ورزش کودکان باشد و مدیران این سازمان‌ها می‌توانند از تجارب کشورهای مورد مطالعه در پژوهش حاضر و کشورهای پیشرو در راستای ورزش کودکان بهره‌برداری نموده و در برنامه‌های آتی خود پیاده‌سازی کنند.

واژگان کلیدی: مطالعه تطبیقی، جرج بردی، ورزش کودکان، ساختار حاکمیت ورزش

تمامی حقوق نشر برای فصلنامه رویکردی نو بر آموزش کودکان محفوظ است.

شیوه استناد به این مقاله: امیرحسام، حاجیلو؛ غلامعلی کارگر، هنری، حبیب؛ شهلائی باقری، جواد. (۱۴۰۴). مطالعه تطبیقی ورزش کودکان در ایران و کشورهای منتخب. فصلنامه رویکردی نو بر آموزش کودکان، ۷(۴): ۱۷۵-۱۸۸.

مقدمه

فعالیت بدنی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش بهره‌وری فردی و اجتماعی داشته باشد (Bloom, Kuhn & Prettnner, 2019). مطالعات نشان می‌دهد که فعالیت بدنی نقش حیاتی در بهبود سلامت جسمانی، بهداشت روانی و توسعه مهارت‌های حرکتی و جلوگیری از بیماری‌های غیر واگیر دارد و در عین حال کمبود فعالیت بدنی یکی از عوامل اصلی بروز بیماری‌های غیر واگیر در جهان محسوب می‌شود (مهدی‌لو، زارعیان و جمشیدی، ۱۴۰۰). از همین روی، تربیت بدنی و ورزش به عنوان یکی از

منابع انسانی سالم و پویا یکی از ارکان اساسی توسعه پایدار در جوامع معاصر شناخته می‌شود؛ از همین روی سیاست‌گذاری‌های کلان در حوزه سلامت، آموزش و رفاه اجتماعی به طور فزاینده‌ای بر ارتقای کیفیت زندگی، سلامت روانی و اجتماعی نیروی انسانی متمرکز شده‌اند. شواهد علمی نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاری هوشمندانه و هدفمند در حوزه سلامت منابع انسانی، به ویژه از طریق مداخلات مبتنی بر

موثرترین ابزارهای ارتقای سلامت عمومی و پویایی سرمایه انسانی، توانسته است جایگاهی راهبردی در اسناد بین‌المللی در حوزه سلامت و آموزش برای خود ایجاد کند (WHO, 2022). گزارش‌های اعلامی نشان می‌دهد که سطح فعالیت بدنی بیش از ۸۰٪ نوجوانان در سطح جهان کمتر از سطح توصیه شده از سوی سازمان بهداشت جهانی است که می‌تواند پیامدهای سلامت و اقتصادی قابل توجهی در آینده ایجاد کند (WHO, 2020).

ورزش و فعالیت بدنی را می‌توان در سطوح مختلفی از جمله ورزش تربیتی، ورزش همگانی، ورزش قهرمانی و ورزش حرفه‌ای برنامه‌ریزی و سازماندهی کرد (De Bosscher, 2018). هر یک از این سطوح اهداف، ذی نفعان و منطق مداخله خاص خود را دارند؛ با این وجود، ورزش تربیتی با توجه به قرارگرفتن در پایه‌ای‌ترین سطح نظام ورزش، نقشی زیر بنایی و غیر قابل جایگزین در توسعه پایدار ورزش و سلامت جامعه ایفا می‌کند (Hulteen, Smith, Morgan, Barnett, Hallal, 2017). افزایش سطح پوشش و مشارکت در ورزش تربیتی علاوه بر این که به بهبود شاخص‌های سلامت جسمانی و روانی کودکان و نوجوانان کمک می‌کند؛ بلکه بستر لازم برای شناسایی استعدادها و ورزشی و پستوانه‌سازی بلند مدت ورزش قهرمانی را نیز فراهم می‌کند. (Bailey & Morley, 2006).

در چارچوب برنامه درسی تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش، ورزش تربیتی به عنوان نخستین سطح برنامه‌ریزی ورزشی، نقش بنیادین در توسعه مهارت‌های جسمانی و اجتماعی و بهبود سطح فعالیت بدنی دارد. شواهد برخاسته از مطالعات نشان می‌دهند که برنامه‌های مدرسه محور فعالیت بدنی توانایی این را دارند که مشارکت کودکان در فعالیت بدنی بالا ببرند و تأثیرات مثبت بر سلامت و عملکرد داشته باشند (Varghese, Ruparell & LaBella, 2022). علاوه بر این، بررسی‌های سیستماتیک نشان می‌دهند که مداخلات مبتنی بر فعالیت بدنی در محیط مدارس با بهبود عملکرد تحصیلی ارتباط مثبت دارند (He, Yang, Sun, Wang, Zhang & Zhu, 2025). با همه این وجود مطالعات نشان می‌دهد که میزان فعالیت بدنی در جامعه پایین است و از همین روی احتمال افزایش بیماری‌های غیر واگیر در آینده بیشتر است (مهدی لو و همکاران، ۱۴۰۰) و نیاز به سیاست گذاری‌های مشخص جهت ارتقا سطح فعالیت بدنی در جامعه دیده می‌شود. از منظر سیاست گذاری نیز شواهد موجود نشان می‌دهد که وجود سیاست‌های جامع فعالیت بدنی و اجرای صحیح آن در مدارس می‌تواند به بهبود سطح فعالیت بدنی کودکان و دانش‌آموزان کمک کند؛ برخی از این سیاست‌ها

شامل برنامه‌های درسی تربیت بدنی، فعالیت‌های فوق برنامه، زمان فعال در کلاس و طراحی محیط‌های تشویقی برای فعالیت (طراحی‌های حیاط پویا) هستند (Varghese et al, 2021). با همه این وجود گزارش‌ها نشان می‌دهند که سطح مشارکت کودکان و نوجوانان در فعالیت بدنی هنوز پایین‌تر از حد توصیه شده توسط سازمان بهداشت جهانی است؛ این مساله متأثر از ضعف در سیاست گذاری، اجرای ناقص برنامه‌ها و کمبود نیروی انسانی متخصص و آموزش دیده در بین معلمان می‌باشد.

با توجه به میزان دسترسی و اثر گذاری‌های نظام‌های آموزشی در جوامع مختلف سازمان‌های بین‌المللی همچون یونسکو و سازمان بهداشت جهانی توجه ویژه‌ای به کیفیت برنامه‌های درسی و فراگیری تربیت بدنی در مدارس دارند. این سازمان‌های جهت بهبود سطح فعالیت بدنی تاکید دارند که برنامه‌ها باید به نحوی طراحی و اجرا شوند که میزان مشارکت ورزشی و فعالیت بدنی را بالا ببرد، از خروج دانش‌آموزان از ورزش جلوگیری کند، منجر به بهبود سلامت عمومی جامعه شود، به دنبال مدال آوری در این دوران نباشد، سبک زندگی فعال را در جامعه نهادینه کند، میزان فعالیت بدنی جامعه را به شاخص‌های جهانی فعالیت بدنی نزدیک کند و برای قهرمانی و مدال آوری برنامه‌ای بلند مدت داشته باشد (Bergeron, Mountjoy, Armstrong, Chia, Léglise, 2015). از طرف دیگر به نحوه اجرا توجه می‌کند و به دنبال این است که همه افراد برای شرکت در این برنامه‌ها فرصت برابر داشته باشند و به صورتی باشد که در انتخاب نهایی ورزشکاران همه یادگیری‌های برابری را تجربه کرده باشند (Kirk, 2019; WHO, 2022).

در کشور جمهوری اسلامی ایران نیز تربیت بدنی به عنوان بخشی از برنامه درسی ملی اجباری اجرا می‌شود و در کنار آن سیاست‌های مختلفی با هدف ارتقا مشارکت و سلامت کودکان طراحی شده‌اند. با همه این وجود، فاصله معنادار میان اهداف سیاست گذاری و واقعیت‌های اجرایی وجود دارد برای نمونه سطح فعالیت بدنی در بسیاری از کشورها به سطح توصیه شده سازمان بهداشت جهانی نرسیده است (جمشیدی عینی، رضوی و دوستی، ۱۴۰۰). این موضوعات تبدیل به دغدغه‌ای برای محققان و سیاست گذاران شده است که چگونه می‌توان فرصت‌های برابر برای کودکان برای دسترسی به امکانات ایجاد کرد، مهارت‌های حرکتی را بهبود داد و نرخ فعالیت بدنی را به حد توصیه شده رساند؟ این سوال چالشی نشان دهنده نیاز به الگویی جامع، مبتنی بر شواهد و متناسب با بستر فرهنگی- اجتماعی جمهوری اسلامی ایران برای ورزش کودکان است؛

الگوی که بتواند ضمن تقویت مشارکت ورزشی و سلامت، ارزیابی کارایی و اثر بخش سیاست‌ها را امکان‌پذیر کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر یک مطالعه تطبیقی است، که مطابق با الگوی این نوع مطالعات راهبرد استفاده شده در آن کیفی است، در همین راستا راگین معتقد است به طور کلی چیزی که باعث می‌شود یک مطالعه جز مطالعات تطبیقی شمرده شود، تکنیک‌های خاص استفاده شده در آن پژوهش نیست، بلکه جهت‌گیری نظری و منابع داده مرتبط با آن پژوهش است. در همین راستا، در کار تطبیقی بین رویکردهای کمی و کیفی شکاف گسترده‌ای وجود دارد. اکثر مطالعات یا منحصرأ کیفی هستند (مثلاً مطالعات موردی منفرد در تعداد کمی از کشورها) یا منحصرأ کمی هستند که اغلب از موارد متعدد و تمرکز فراملی استفاده می‌کنند (Raghin, 2014). در پژوهش حاضر با توجه به انتخاب و مطالعه تعداد ۸ کشور راهبرد مناسب پژوهش، کیفی می‌باشد. داده‌های پژوهش حاضر با استفاده از تکنیک اسنادی جمع‌آوری شده است و با بهره‌برداری از الگوی تطبیقی جورج بردی و در چهار مرحله توصیف، تفسیر، همجواری و مقایسه تحلیل شده است. سطح مکانی تطبیق، کشورهای بریتانیا، آلمان، استرالیا، کانادا، ژاپن، کره جنوبی، چین و جمهوری اسلامی ایران بود، که به شکل هدفمند انتخاب شدند. همچنین در پژوهش حاضر دلایل انتخاب و ورود به پژوهش و انتخاب به عنوان واحد مقایسه شامل دو مرحله می‌باشد. در مرحله اول با استفاده از تقسیم بندی Berg (2001) از استراتژی، نظام‌ها با بیشترین درجه تفاوت + نتایج مشابه بهره گرفته شده است، که در این گروه کشورهایی قرار می‌گیرند که از نظر نظام‌های اجتماعی، ساختار، محتوا، برنامه‌ها و فعالیت‌های ورزشی بیشترین تفاوت را با واحد مقایسه مورد نظر (در پژوهش حاضر کشور ایران) دارند و میزان مدال‌آوری در المپیک و وجود سیاست‌های مدون ورزشی نیز مد نظر قرار گرفته است. در ادامه به منظور جمع‌آوری داده‌های پژوهش حاضر مقالات چاپ شده در خصوص سیاست‌های ورزش کودکان کشورهای منتخب، گزارش‌های فعالیت بدنی کشورهای منتخب، دستورالعمل‌های مرتبط با ورزش کودکان، سایت سازمان‌های مرتبط با ورزش کودکان، وزارت آموزش و پرورش و برنامه‌های توسعه ورزش در کشورهای منتخب بررسی شد.

الگوی مورد استفاده جهت تحلیل داده‌ها، الگوی جورج پردی است که از چهار مرحله توصیف، تفسیر، همجواری و مقایسه تشکیل شده است. در مرحله توصیف، پژوهشگر به توصیف پدیده‌های مورد تحقیق بر اساس شواهد و اطلاعاتی که از منابع

مختلف از طریق مشاهده مستقیم و یا مطالعه اسناد و گزارش‌های دیگران به دست آورده است می‌پردازد. در این مرحله، داده‌های پژوهش بر اساس شواهد اطلاعات، یادداشت برداری شده و یافته‌های کافی برای بررسی و نقادی در مرحله بعد آماده می‌شوند. در مرحله تفسیر، اطلاعات جمع‌آوری شده در مرحله اول تحلیل و بررسی و در مرحله همجواری، اطلاعاتی که در مرحله قبل آماده شده بودند طبقه‌بندی می‌شوند و در کنار هم قرار می‌گیرند و چارچوبی فراهم می‌شود، تا راه برای مرحله بعدی یعنی مقایسه تشابهات و تفاوت‌های پدیده مورد تحقیق هموار شود. در این مرحله فرضیه‌های پژوهش قابل شکل‌گیری است و در نهایت در مرحله مقایسه، مسئله تحقیق با توجه به جزئیات در زمینه شباهت‌ها و تفاوت‌ها و دادن پاسخ به پرسش‌های پژوهش بررسی و مقایسه می‌شوند (انصاری اردلی، رضایی و کشگر، ۱۴۰۱؛ Bereday, 1967). بر این اساس، یافته‌های پژوهش مطابق الگوی جرج بردی تنظیم و تحلیل گردید. در همین راستا در پژوهش حاضر به منظور انجام مراحل چهار گانه الگوی جورج بردی، ابتدا با بررسی منابع گوناگون، شواهد و اطلاعات لازم از منابعی به مانند سایت سازمان‌های مرتبط، اسناد و مدارک مربوط به ورزش کودکان جمع‌آوری شدند (توصیف)، سپس کشورهای مورد مطالعه از نظر اقدامات و عملکرد در راستای توسعه ورزش کودکان مورد مطالعه قرار گرفته‌اند (تفسیر)، در ادامه شباهت‌ها و تفاوت‌ها (بود یا نبود) طبقه‌بندی شده و در کنار هم قرار گرفته (همجواری) و در مرحله آخر نیز شباهت و تفاوت‌های کشورهای مورد مطالعه از منظر سیاست‌های ورزش کودکان، به منظور پاسخ دادن به پرسش‌های پژوهش مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته‌اند (مقایسه). همچنین به منظور بررسی اعتبار اسناد، برنامه‌ها و مدارک و منابع پژوهش نقد بیرونی و درونی منابع مورد توجه قرار گرفت. در نقد بیرونی تلاش می‌شود که مدارک بازیابی شده همان مدارک و مستندات مربوط به نمونه مورد مطالعه باشد، که در این پژوهش با توجه به اینکه مستندات از وب سایت سازمان‌های مرتبط با ورزش کودکان کشورهای مورد مطالعه و همچنین بررسی مقالات منتشر شده در نشریه‌های علمی استخراج شده است، از نقد بیرونی قابل قبول برخوردار است. محتوای مدارک بازیابی شده در این پژوهش در راستای پاسخگویی به سوالات تحقیق بوده و براساس مستندات واقعی تنظیم شده‌اند، بنابراین صحت و اهمیت محتوای مدارک براساس نقد درونی قضاوت شد.

یافته ها

تحلیل سیاست‌های و برنامه‌های ورزشی کودکان در ایران و کشورهای چین، ژاپن، کره جنوبی، استرالیا، کانادا، آلمان و بریتانیا از طریق روش جرج بردیدر خصوص جنبه‌های مختلف ورزش کودکان انجام شد و هر حوزه به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفت که به ترتیب در ادامه گزارش شده است.

سازمان‌های مرتبط با ورزش کودکان

اولین موضوعی که لازم به بررسی می‌باشد این است که چه سازمان‌هایی با ورزش کودکان دارای ارتباط هستند. از همین روی سازمان‌های مرتبط با ورزش کودکان در کشورهای مورد مطالعه مورد بررسی قرار گرفته نتایج آن به صورت جدول شماره ۱ گزارش شد.

جدول ۱: سازمان‌های مرتبط با ورزش کودکان

سازمان	ایران	چین	ژاپن	کره جنوبی	استرالیا	کانادا	آلمان	بریتانیا
وزارت آموزش و پرورش	*	*	*	*	*	*	*	*
وزارت ورزش و جوانان	*	*	*	*	*	*	*	*
وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	*	*	*	*	*	*	*	*
وزارت کار و رفاه	-	-	-	-	-	-	-	-
فناوری و اطلاعات	-	*	*	*	*	*	*	*
وزارت کشور	-	*	*	*	*	*	*	*
وزارت فرهنگ و ارشاد	-	*	*	*	*	*	*	*
سازمان‌ها و نهاد های دولتی و خصوصی	-	*	*	*	*	*	*	*
وزارت دفاع	-	-	-	-	-	-	-	-

با توجه به نتایج جدول ۱ وزارت آموزش و پرورش، وزارت ورزش، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی وزارت کشور و برخی سازمان‌های ورزشی در کشورهای مختلف در امور ورزش کودکان نقش دارند. این سازمان‌ها و وزارت خانه‌ها در برخی کشورهای اسامی متفاوتی با هم دارند یا با سایر وزارت خانه‌ها تلفیق شده‌اند؛ برای مثال ژاپن وزارت ورزش ندارد. از سوی دیگر برخی از سازمان‌ها و نهادهای مسئول بسته به نحوه تقسیم

بندی امور کشورها خود زیر مجموعه وزارت خانه‌های می‌باشند. وجود اسناد بالادستی سازمانی با توجه به نقش داشتن سازمان‌های مختلف در امور ورزش کودکان و نیاز به هم راستایی و هماهنگی بین این وزارت خانه‌ها، سازمانها و نهادهای، در مرحله بعدی به این موضوع پرداخته شد که آیا این سازمان‌ها برنامه مدون و اسناد بالا دستی مشخصی برای ورزش کودکان دارند یا خیر که نتایج به صورت جدول شماره ۲ در ادامه گزارش شد.

جدول ۲: وجود اسناد بالا دستی برای ورزش کودکان در سازمان ها

سازمان	ایران	چین	ژاپن	کره جنوبی	استرالیا	کانادا	آلمان	بریتانیا
وزارت آموزش و پرورش	*	*	*	*	*	*	*	*
وزارت ورزش و جوانان	*	*	*	*	*	-	*	*
وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	*	*	*	*	*	*	*	*
وزارت کشور	*	*	*	*	*	*	*	-
وزارت فرهنگ و ارشاد	-	-	*	*	-	*	*	*
فناوری و اطلاعات	-	*	*	*	*	*	*	*
سازمان‌ها و نهاد های دیگر	-	*	*	*	*	*	*	*

بررسی نتایج وجود اسناد بالا دستی برای ورزش کودکان نشان می‌دهد که ارگان‌های دارای نقش هر کدام دستورالعمل‌های مشخص برای پیشبرد اهداف ورزش کودکان دارند مساله‌ای که نشان می‌دهد نقش هر کدام از دیگری کاملاً مجزا می‌باشد و در

عین حال این نقش‌ها مکمل همدیگر هستند. این نتایج نشان می‌دهد که مدیریت ورزش کودکان در کشورها ساختاری بین بخشی دارد و نیازمند همکاری و هماهنگی بین این ارگان‌ها و سازمان‌ها است. در ادامه به بررسی آنها پرداخته شده است.

ساختار حاکمیت ورزش کودکان

پیشبرد اهداف می‌باشد که از ساختار حاکمیتی کشور نشأت می‌گیرد. نتایج بررسی ساختارهای حاکمیت ورزش کودکان به صورت جدول شماره ۳ گزارش شد.

عمده‌ترین مسأله‌ای که باعث هماهنگی بین ارگان‌ها و سازمان‌های می‌شود وجود چارچوب یکسان و اهداف یکسان در

جدول ۳: ساختار حاکمیت ورزش کودکان

بریتانیا	آلمان	کانادا	استرالیا	کره جنوبی	ژاپن	چین	ایران	ساختار
-	-	-	-	*	-	*	*	دولتی
-	*	-	-	-	-	-	-	باشگاه محور
*	*	*	*	*	*	*	*	مدرسه محور
*	*	*	*	*	*	*	*	استعداد یابی
-	-	*	*	-	-	-	-	فدرال
-	-	*	*	-	-	-	-	ایالتی
-	-	*	*	-	-	-	-	محلی
-/*	-	*	*	-	*	*	-	حمایت مالی
*	*	*	-	*	*	-	-	بخش خصوصی
*	-	-	-	-	-	-	-	مبتنی بر جامعه
*	-	*	*	*	*	-	*	خانواده
*	*	-	-	-	-	-	-	داوطلب محور

حاکمیتی را دارا هستند؛ ولی با همه این وجود می‌توان گفت که در یک امر ساختار حاکمیتی همه کشورها دارای اشتراک هستند. هر کدام از این کشورها با توجه به شرایط جامعه و نیازهای موجود به دنبال اهداف مشخصی هستند که در سیاست‌های خود به آن می‌پردازند و به دنبال کسب آن اهداف هستند. در این بخش به بررسی اهداف کشورهای پژوهش حاضر پرداخته شد و نتایج آن به صورت جدول شماره ۴ در ادامه گزارش شده است.

با توجه به نتایج گزارش شده در جدول سه می‌توان گفت که ساختار حاکمیت ورزش کودکان در کشورهای مختلف الگوهای مختلفی دارد. که در مجموع می‌توان این الگوها را به دولتیو غیر دولتی، متمرکز و غیر متمرکز، مدرسه محور و مشارکت محور تقسیم بندی کرد. در برخی از کشورها سیاست‌هایی مثل چین، ژاپن، استرالیا، کانادا و بریتانیا حمایت‌های ملی از ورزش کودکان دارند. اهداف در سیاست گذاری ورزش کودکان: در بررسی‌های قبلی مشخص شد که کشورهای مختلف الگوهای مختلفی از ساختار

جدول ۴: بررسی اهداف موجود در سیاست گذاری ورزش کودکان

بریتانیا	آلمان	کانادا	استرالیا	کره جنوبی	ژاپن	چین	ایران	اهداف فرعی	اهداف
*	*	*	*	*	*	*	*	فعالیت بدنی	سلامت
*	*	*	*	*	*	*	*	ورزش همگانی	
-	-	-	-	-	*	*	*	آمادگی جسمانی	
*	*	*	*	*	*	*	*	سلامت اجتماعی	
*	*	*	*	*	*	*	*	پیشگیری از بیماری‌ها	
-	*	-	*	-	-	-	-	لذت از ورزش	استعدادیابی
*	*	*	*	*	*	*	*	مشارکت ورزشی	
-/*	-	-	*	*	*	*	*	قهرمان پروری	
*	*	*	*	*	*	*	*	استعداد یابی	
-	-	-	-	-	*	-	-	کار گروهی و انضباط	آموزش
*	*	*	*	*	*	-	-	شایستگی‌های حرکتی	
*	*	*	*	*	*	-	-	سواد بدنی	
*	*	*	*	*	*	-	-	رشد حرکتی	

چین در حوزه اهداف آموزشی با سایر کشورها داری تفاوت‌های عمده‌ای می‌باشد.

امکانات ورزشی متناسب با ورزش کودکان: به منظور دسترسی به اهداف تعیین شده یک از الزامات موجود دسترسی به امکانات و تجهیزات ورزشی متناسب با کودک می‌باشد که در این بخش به بررسی آنها پرداخته شد و نتایج آن به صورت جدول شماره ۵ در ادامه گزارش شده است.

نتایج گزارش شده در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که کشورهای موجود در حوزه تحقیق حاضر در اهداف خود دارای دغدغه‌های مشترکی همچون پیشگیری از بیماری، ورزش همگانی، فعالیت بدنی، مشارکت ورزشی، سلامت اجتماعی، استعداد یابی و قهرمان پروری در حوزه ورزش کودکان می‌باشند. به صورت کلی این اهداف به اهدافی در حوزه‌های سلامت، استعداد یابی و آموزش مرتبط هستند. نتایج نشان داد که ایران و

جدول ۵: بررسی امکانات ورزشی کودکان

امکانات	فرعی	ایران	چین	ژاپن	کره جنوبی	استرالیا	کانادا	آلمان	بریتانیا
سخت افزاری	باشگاه کودک	*	*	*	*	*	*	*	*
	پارک های بازی کودک	*	*	*	*	*	*	*	*
	تجهیزات مختص کودکان	-	*	*	-	*	*	*	*
	مسیر های دوچرخه سواری ایمن	-	*	*	*	*	*	*	*
	باشگاه دارای تخفیف	*	*	*	*	*	*	*	*
آموزشی	مربیان متخصص	-	*	*	*	*	*	*	*
	ساعت ورزشی اجباری	*	*	*	*	*	*	*	*
	برنامه های ورزشی فوق برنامه	-	*	*	*	*	*	*	*
	نرم افزار های آموزشی	-	*	*	*	*	*	*	*
	نرم افزار نظارت بر فعالیت بدنی کودکان	-	*	*	*	*	*	*	*
	رسانه های آموزشی	-	*	*	*	*	*	*	*
	آموزش والدین	-	*	*	*	*	*	*	*
مسابقات مدرسه ای	لیگ های مدرسه ای منظم	*	*	*	*	*	*	*	*
	المپیاد ورزشی دانش آموزی	*	*	*	*	*	*	*	*
	مسابقات بین المللی ویژه کودکان	-	*	*	*	*	*	*	*
	سیستم رده بندی سنی	*	*	*	*	*	*	*	*

نیروی انسانی متخصص ورزش کودکان: با توجه به نیاز ورزش کودکان به مربیان متخصص و علم مخصوص به ویژگی‌های رشدی کودکان نیاز است که بررسی شود هر کشور چقدر دارای نیروی انسانی متخصص در حوزه ورزش کودکان می‌باشد. در این مرحله این مورد بررسی قرار گرفت و نتایج آن به صورت جدول شماره ۶ در ادامه گزارش شد.

نتایج حاصل از بررسی امکانات ورزشی موجود برای کودکان نشان می‌دهد که همه کشورها دارای امکانات مشابهی هستند هر چند ایران از لحاظ برخی امکانات دارای محدودیت می‌باشد. با بررسی و دسته بندی امکانات مورد نیاز می‌توان امکانات را به سه دسته کلی امکانات سخت افزاری، آموزشی و مسابقات مدرسه‌ای تقسیم بندی کرد. که مشخص شد ایران در زمینه آموزشی سخت افزاری همچنان دارای مشکلات زیادی است.

جدول ۶: نیروی انسانی متخصص ورزش کودکان

معیار	ایران	چین	ژاپن	کره جنوبی	استرالیا	کانادا	آلمان	بریتانیا
آموزش تخصصی مربیان	*	*	*	*	*	*	*	*
روانشناس ورزشی کودک	-	*	*	*	*	*	*	*
برنامه ورزشی مختص کودک	-	*	*	*	*	*	*	*

معیار	ایران	چین	ژاپن	کره جنوبی	استرالیا	کانادا	آلمان	بریتانیا
پزشک متخصص ورزش کودک	-	*	*	*	*	*	*	*
مری پایش رشد کودک	-	*	*	*	*	*	*	*
استاندارد های اخلاقی در ورزش کودک	-	*	*	*	*	*	*	*
برنامه ورزشی علمی ورزش کودک	-	*	*	*	*	*	*	*
برنامه ورزشی برای کودکان با نیاز های ویژه	-	*	*	*	*	*	*	*

بررسی وضعیت نیروی انسانی متخصص ورزش کودکان نشان می‌دهد که ایران از نظر وضعیت نیروهای متخصص نسبت به کشورهای دیگر مشکلات بسیاری دارد و نیاز است که به این زمینه مهم توجه ویژه‌ای داشته باشد. ایران فدراسیون مختص ورزش کودک ندارد و مربیگری ورزش کودک زیر نظر فدراسیون ورزش‌های همگانی به صورت کاملاً محدود برگزار می‌شود کف این امر باعث شده ایران نتواند مربیان متخصص ورزش کودکان را تامین کند.

پایش و ارزیابی ورزش کودکان: نظام پایش و ارزیابی در هر سیستمی جز مهمترین نظام‌های هدایت‌کننده سیستم به سمت هدف‌های خود می‌باشد. این نظام با ارزیابی‌های مستمر و ارائه بازخورد می‌تواند از انحراف مسیر و میزان دسترسی به اهداف را تعیین کند. به همین منظور پایش و ارزیابی ورزش کودکان در کشورهای مورد مطالعه مورد بررسی قرار گرفت و نتایج آن به صورت جدول شماره ۷ در ادامه گزارش شد.

جدول ۷: پایش و ارزیابی ورزش کودکان

ردیف	فرعی	ایران	چین	ژاپن	کره جنوبی	استرالیا	کانادا	آلمان	بریتانیا
فناوری	نرم افزار های سنجش فعالیت بدنی	-	*	*	*	*	*	*	*
	یکپارچه سازی با سامانه های سلامت	-	*	*	*	*	*	*	*
	آموزش معلمان	-	*	*	*	*	*	*	*
آموزش	دستورالعمل های ملی ارزیابی	*	*	*	*	*	*	*	*
	دوره های ضمن خدمت	-	*	*	*	*	*	*	*
	گزارش های ملی	*	*	*	*	*	*	*	*
بازخورد و مداخله	بازخورد فردی به والدین	*	*	*	*	*	*	*	*
	برنامه های ورزشی جبرانی	-	*	*	*	*	*	*	*
	مشارکت خانواده ها	-	*	*	*	*	*	*	*
ارزیابی شاخص ها	قانون مصوب جهت پایش	-	*	*	*	*	*	*	*
	پایش از طریق مدارس	*	*	*	*	*	*	*	*
	پایش فعالیت روزانه	-	*	*	*	*	*	*	*
	ارزیابی مهارت های حرکتی	*	*	*	*	*	*	*	*
	شاخص های تن سنجی	*	*	*	*	*	*	*	*

بررسی نتایج گزارش شده در جدول ۷ نشان می‌دهد که ایران از لحاظ پایش و ارزیابی ورزش کودکان دارای نقص‌هایی در حوزه فناوری پایش و ارزیابی، آموزش معلمان، مشارکت خانواده‌ها و برنامه‌ریزی برنامه ورزشی جبرانی نسبت به سایر کشورها می‌باشد و از لحاظ این شاخص نسبت به سایرین پیشرفت اندکی داشته است. این درحالی است که سایر کشورها به این امور پرداخته‌اند و دستورالعمل‌هایی برای پایش و ارزیابی فعالیت بدنی کودکان دارند.

بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی ورزش کودکان در جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منتخب پرداخته شد. به منظور بررسی علمی و اصولی از الگوی بررسی تطبیقی چهار مرحله‌ای جورج بردی استفاده شد. نتایج نشان داد که ایران در برخی از شاخص‌ها همچون امکانات ورزشی متناسب با ورزش کودکان، هدف‌گزینی آموزشی، تربیت نیروی انسانی متخصص ورزش کودک، پایش و ارزیابی و وجود دستورالعمل‌های

مشخص دچار تفاوت‌های عمده‌ای با سایر کشورهای حوزه پژوهش حاضر می‌باشد. که به صورت جداگانه در ادامه به بحث و بررسی آنها پرداخته شد.

در بررسی سازمان‌های مرتبط با ورزش کودکان مشخص شد که وزارت آموزش و پرورش (فناوری و ورزش زیر نظر این وزارت هستند)، وزارت ورزش (در آلمان وجود ندارد)، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت فناوری و اطلاعات، وزارت فرهنگ و ارشاد و وزارت کشور و برخی نهادهای و سازمان‌های دولتی و خصوصی در کشورهای مورد مطالعه فعال هستند. با توجه به نتایج می‌توان گفت که در کشورهای حوزه مطالعاتی ورزش کودکان یک موضوع چند بخشی و جامعه محور شناخته می‌شود. آنچه در جدول شماره ۱ گزارش شده نشان می‌دهد که هسته اصلی تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کشورهای حوزه مطالعاتی در خصوص ورزش کودکان وزارت آموزش و پرورش، وزارت ورزش و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی هستند. وجود این اشتراک نشان می‌دهد که در کشورهای مورد مطالعه، به ورزش به عنوان یک فعالیت صرفاً تفریحی نگاه نمی‌شود. ورزش کودکان موضوعی است که هر سه نهاد اهمیت آن را در سطح کلان پذیرفته و آن را تلاقی بین آموزش رسمی، سلامت عمومی و رشد جسمانی مطرح کرده‌اند. در همین راستا با وجود تفاوت‌های ساختاری وظایف هر وزارت خانه هر کدام مکمل دیگری هستند. از همین روی وجود هماهنگی بین آنها و وجود ساز و کار مشخص جهت کاهش موازی کاری ضرورت دارد که در کشورهای حوزه مطالعه مشاهده شد که با تدوین دستورالعمل‌های مشخص از آن پیشگیری کرده‌اند. در گزارش‌های جهانی نیز تاکید بر این است که برنامه‌های موفق ورزشی نیازمند همکاری بین بخشی، مشارکت جامعه محور و توجه به نقش مربیان، خانواده و کودکان در طراحی و اجرا هستند (Unisef, 2019) در مقابل، سیاست‌های ورزش کودکان جمهوری اسلامی ایران این موضوع مهم را به صورت دقیق بررسی نکرده است. به صورتی که برخی موازی کاری‌ها و ناهماهنگی‌ها و عدم همکاری بین وزارت خانه‌ها در مرحله اجرای سیاست‌های ورزشی قابل مشاهده می‌شود. در کشورهای مثل ژاپن، کره جنوبی، کانادا، آلمان، استرالیا و بریتانیا، وزارت فرهنگ و سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی نیز با ورزش کودکان مرتبط هستند و در بخش‌هایی از مدیریت ورزش کودکان، کمک‌کننده هستند. در این کشورها ورزش کودکان، یک پدیده اجتماعی-فرهنگی شناخته شده است. این دیدگاه مشارکت خانواده‌ها و جامعه محلی و همچنین تنوع برنامه‌های ورزشی برای کودکان و سطح دسترسی را بالا می‌برد. مطالعات در حیطه حکمرانی ورزش نشان می‌دهند که نظام‌های حکمرانی چند سطحی با نقش آفرینی سازمان‌های جامعه مدنی و نهادهای

محلی، مولفه‌های کلیدی توسعه ورزشی کودکان و نوجوانان را تقویت می‌کنند (Rich & Losardo, 2025). فعالیتهای مشترک بخش دولتی و خصوصی بر نهادهای سازی فرهنگ ورزش در کودکان و نوجوانان از دیدگاه معلمان تاثیر دارد (صفری، صفری، نیکنام، آزادی فر و غفاری، ۱۴۰۳). مساله عدم حضور فعال نهادهای و سازمان‌های داوطلبانه و همچنین وزارت فرهنگ و ارشاد باعث شده است که ورزش کودکان در جمهوری اسلامی ایران با وجود تلاش‌های موجود دارای ضعف باشد. مطالعات نشان داده است که سرمایه گذاری روی مسائل فرهنگی می‌تواند منجر به توسعه ورزش شود (Teixeira & Ribeiro, 2016) از همین روی ورود وزارت فرهنگ و ارشاد به حوزه فرهنگ‌سازی ورزش کودکان می‌تواند به توسعه ورزش کودکان کمک کند. از سوی دیگر نتایج نشان داد که رویکردهای فناوری و نوآوری در ورزش کودکان جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد. این در حالی است که سایر کشورها با بهره‌گیری از فناوری و نوآوری توانسته‌اند مدل‌های مبتنی بر شواهد را با ترکیب داده محوری، پایش رشد حرکتی و فناوری‌های آموزشی پیاده‌سازی و اجرا کنند. این نتایج نشان می‌دهد که ساختار نهادی ورزش کودکان با حوزه‌های فناوری، تعلیم و تربیت بدنی و نهادهای مدنی ادغام شده است که می‌تواند به توسعه رویکردهای نوآورانه در طراحی و اجرای برنامه‌های ورزش کودکان منجر شود. این یافته‌ها با نتایج مطالعات اخیر در حوزه حکمرانی ورزش که نیاز به تنوع ذی نفعان و ایجاد شبکه‌های یادگیری میان نهادهای مختلف را برجسته می‌کند همسویی دارد (France, Dickson, McDonald-Kerr & Ozdil, 2024). قطعاً استفاده از فناوری‌های نوین می‌تواند حل‌کننده بسیاری از مشکلات در ورزش کودکان جمهوری اسلامی ایران باشد. با توجه به آنچه از نهادهای مشارکت‌کننده در سطح تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری ورزش کودکان گفته شد می‌توان گفت که ایران از این لحاظ در سطح پایین قرار دارد و نیاز است که از وجود سایر نهادهای، سازمان‌ها و وزارت خانه‌ها در جهت بهبود وضعیت موجود کمک بگیرد.

در بررسی هسته تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری ورزش کودکان، سازمان‌ها، نهادها و ارگان‌های دولتی مؤثر در فرآیند سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری این حوزه شناسایی شدند. در ادامه، وجود و میزان شفافیت اسناد بالادستی مشخص و مدون مرتبط با ورزش کودکان در این نهادها و سازمان‌ها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که در کشورهای مورد مطالعه اسناد بالا دستی و دستورالعمل‌های مشخص وجود دارد. با توجه به چندبخشی بودن نظام حکمرانی ورزش کودکان، وجود اسناد بالادستی و دستورالعمل‌های سازمانی مشخص می‌تواند ضمن تبیین مأموریت‌ها و اهداف، چارچوب‌های اجرایی

2023؛ گیاه‌شناس بن بازاری، ساعی، زیبا کلام و ملک محمدی، ۱۳۹۸). بررسی ساختارهای حاکمیت ورزش کودکان نشان داد که ساختار حاکمیت ورزش کودکان در کشورهای مورد مطالعه متأثر از چارچوب کلان حکمرانی، نظام اداری و میزان تمرکز قدرت در هر کشور می‌باشد (فراهانی، محمدی رئوف، شجاع و ملکی، ۱۳۹۹). همانگونه که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، وجود هماهنگی میان سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با ورزش کودکان بیش از هر چیز از وجود اهداف مشترک و چارچوب‌های حکمرانی همراستا ناشی می‌شود. این مساله به‌طور مستقیم به ساختار سیاسی-اداری کشورها مربوط می‌شود (فراهانی و همکاران، ۱۳۹۹). در نگاه اول به نتایج گزارش شده، می‌توان گفت که در رویکرد مدرسه محور و استعداد یابی همه کشورها دارای اشتراک هستند. این همسویی نشان می‌دهد که در اغلب نظام‌های ورزشی، مدرسه با توجه به پوشش تقریباً ۱۰۰ درصدی دانش‌آموزان به عنوان اصلی‌ترین بستر سازمان یافته برای دسترسی عادلانه کودکان به فعالیت بدنی و ورزش و شناسایی استعدادها حرکتی شناخته می‌شود. بررسی‌ها نشان داد که در کشورهای مورد مطالعه اجراکننده اصلی ورزش کودکان مدرسه می‌باشد و این رویکرد از این لحاظ که امکان مداخله رشد حرکتی زودهنگام، استانداردسازی برنامه‌ها و پایش رشد حرکتی کودکان را فراهم می‌سازد. با همه این وجود نمی‌توان صرفاً به آموزش و پرورش متکی بود چراکه باعث محدود شدن دامنه تجربیات حرکتی و کاهش تداوم مشارکت ورزشی در خارج از محیط رسمی می‌شود. در مرحله دوم بررسی تطبیقی نتایج می‌توان گفت که ساختار سیاست‌های حاکمیتی ورزش کودکان در ایران، چین و تا حدودی کره جنوبی دولتی و متمرکز می‌باشد. در این کشورها سیاست گذاری، تامین منابع و هدایت برنامه‌ها عمدتاً در سطح ملی انجام می‌شود. در مقابل ساختار حاکمیتی کشورهایی مانند استرالیا و کانادا غیر متمرکز، فدرال، ایالتی و محلی است که در آن مسوولیت توسعه ورزش کودکان بین سطوح مختلف حکمرانی توزیع شده است. وجود چنین ساختار حاکمیتی باعث شده است که امکان طراحی و اجرای برنامه‌های متناسب با نیازهای محلی، مشارکت فعال جامعه و هم افزایی میان دولت، مدارس، خانواده و سازمان‌ها و نهادهای خصوصی بالا باشد. از سوی دیگر ساختارهای ورزش کودکان در کشورهای ژاپن، آلمان و کانادا بیشتر بر نقش سازمان‌ها و نهادهای خصوصی، خانواده‌ها، داوطلبان پررنگتر می‌باشد. این الگوی ساختاری بیان‌کننده حرکت به سمت حکمرانی مشارکتی و شبکه‌ای می‌باشد که در آن نقش دولت به جای این که مجری مستقیم باشد، سیاست گذار و ناظر اجرای سیاست‌های و تصمیم‌ها می‌باشد. این یافته‌ها با نتایج تحقیق مطالعه تطبیقی

و سیاست گذاری فعالیت‌های مرتبط با ورزش کودکان را برای هر سازمان به طور شفاف تعیین کند و از اتلاف منابع انسانی، مالی و اجرایی ناشی از موازی کاری جلوگیری به عمل آورد. یافته‌های پژوهش حاضر با ادبیات سیاست گذاری ورزش هم راستا است. در ادبیات سیاست گذاری ورزش تأکید شده است که وجود سیاست‌ها و اسناد رسمی و مدون، پیش شرط تحقق یک نظام ورزشی هماهنگ و کارآمد محسوب می‌شود. مطالعات تطبیقی در حوزه سیاست گذاری ورزش نشان می‌دهد که در کشورهای پیشرفته و علم محور، سیاست‌های رسمی و اسناد بالادستی مدون نقش تعیین کننده‌ای در مشخص سازی اولویت‌های سرمایه گذاری، توزیع بهینه منابع و هم راستا سازی ذی نفعان حوزه ورزش ایفا می‌کنند؛ به گونه‌ای که فقدان چنین اسناد و دستورالعمل‌هایی منجر به پراکندگی تلاش‌ها، کاهش اثربخشی برنامه‌ها و اتلاف سرمایه می‌شود (Houlihan & Mangset, 2007). تحلیل تطبیقی حاضر نشان می‌دهد که در ایران، اگرچه اسناد بالادستی در سطح وزارتخانه‌ها، نهادها و سازمان‌های مرتبط با ورزش کودکان وجود دارد، اما ساختار هماهنگی میان این اسناد محدود و عمدتاً بخش نگر است؛ امری که در برخی موارد به بروز موازی کاری در اجرای برنامه‌ها منجر شده است. این نتایج با یافته‌های مطالعه تطبیقی باشگاه‌های بازی کودکان در ایران و کشورهای منتخب همسو است (گل شیرازی، صفاری، نمازی زاده و نادى، ۱۴۰۰). در مقابل وضعیت موجود در جمهوری اسلامی ایران، اسناد بالادستی کشورهای مورد مقایسه در قالب چارچوب‌های ملی جامع طراحی شده‌اند؛ چارچوب‌هایی که نه تنها نقش و مسوولیت هر نهاد را به طور شفاف تعیین می‌کنند، بلکه مسیرهای همکاری بین بخشی و سازوکارهای اجرای مشترک را نیز تعریف می‌نمایند. طراحی چنین چارچوب‌های ملی جامعی با رویکردهای بین‌المللی توسعه ورزش کودکان و نوجوانان هم راستا است؛ رویکردهایی که بر ضرورت تدوین سیاست‌های یکپارچه، مبتنی بر شواهد و مورد حمایت نهادی تأکید دارند و ورزش را به عنوان ابزاری برای ارتقای سلامت عمومی، افزایش مشارکت اجتماعی و تسهیل یادگیری تقویت می‌کنند (Owusu-Sekyere, 2017). از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش حاضر با مطالعات تطبیقی سیاست گذاری ورزش همخوانی دارد که در آن‌ها بر شفافیت و قطعیت اهداف سیاستی به عنوان عاملی مؤثر در بهبود اثربخشی برنامه‌های ورزشی کودکان تأکید شده است (جوادى پور و رهبری، ۱۳۹۶)، به ویژه زمانی که این اسناد دارای چارچوبی مشخص برای همکاری بین بخشی باشند و حوزه‌های سلامت عمومی، آموزش، ورزش و جامعه را در قالب یک رویکرد منسجم به یکدیگر پیوند دهند (Chiari, Senna, Gomes, Freire, Soares, Alves, Cury & Ferreira,

وضعیت حکمرانی ورزشی در ایران و کشورهای منتخب همسو می‌باشد (فراهانی و همکاران، ۱۳۹۹). بررسی مبنای اهداف در تصمیم‌گیری و سیاست گذاری ورزش کودکان نشان داد که با وجود مشخص شدن تفاوت در ساختارهای حاکمیتی و الگوهای اجرایی در سطح اهداف کلان تصمیم‌گیری و سیاست گذاری ورزش کودکان، شاخص‌های مشترک معناداری میان کشورهای مورد مطالعه وجود دارد. وجود شاخص‌های مشترک در اهداف سیاست گذاری نشان می‌دهد که کشورها دارای چالش‌های مشترکی هستند که می‌توانند از ورزش کودکان به عنوان ابزاری راهبردی در مسیر حل آنها بهره ببرند. شاخص‌های بررسی شده را می‌توان در سه حوزه اصلی سلامت عمومی، استعداد یابی و آموزش طبقه بندی کرد. این سه حوزه جز ستون‌های اصلی سیاست گذاری ورزش کودکان در سطح بین‌المللی می‌باشند (فراهانی و همکاران، ۱۳۹۹). بررسی اهداف سلامت محور نشان داد که تمامی کشورها مولفه‌هایی همچون فعالیت بدنی، ورزش همگانی، سلامت اجتماعی و پیشگیری از بیماری‌ها را مد نظر قرار داده و در سیاست گذاری نهایی بر آنها تاکید داشته‌اند. این موضوع به صراحت نشان می‌دهد که در راستای سیاست گذاری ملی، ورزش کودکان بیش از آنکه صرفاً محدود به عملکرد ورزشی باشد، به عنوان ابزاری برای ارتقای سلامت عمومی و کاهش پیامدهای رفتارهای بی‌تحرك در سنین کودکی و نوجوانی در نظر گرفته می‌شود. با همه این وجود، تمرکز ایران و چین بر مولفه‌هایی نظیر آمادگی جسمانی می‌باشد و در مقابل دیگر کشورهای مورد مطالعه بیشتر بر تداوم فعالیت‌ها در بلند مدت تاکید دارند که نشان دهنده تفاوت در رویکردهای سلامت محور می‌باشد. در بررسی حوزه استعداد یابی مشخص شد که تمامی کشورها بر مشارکت ورزشی و شناسایی استعداد تاکید دارند و بیشتر کشورها مدل رشد بلند مدت ورزشکار را بومی‌سازی کرده و استفاده می‌کنند. در کنار مدل بومی شده کشورهایی مثل استرالیا و آلمان به موضوع لذت از ورزش نیز در سیاست‌های خود توجه داشته‌اند. با جمع بندی این موارد می‌توان گفت که کشورهای مختلف با در نظر گرفتن ویژگی‌های رشدی سعی می‌کنند کودکان را در عرصه ورزش نگه دارند. این یافته‌ها با مقاله مدل‌های رشد ورزشکاران جوان: مروری روایی همسو می‌باشد (Varghese et al, 2021). در مقابل ایران و چین تمرکز بر قهرمان پروری از سنین پایین را در سیاست گذاری‌های ورزش کودکان لحاظ می‌کنند، با این تفاوت که چین یک برنامه توسعه یافته برای ورزش کودکان دارد ولی ایران هیچ برنامه خاصی ندارد و بیشتر به صورت جزیره‌ای و خود محور از سوی باشگاه‌ها و مربیان انجام می‌شود. در بررسی حوزه اهداف آموزشی مشاهده شده که ایران و چین با سایر

کشورهای مورد مطالعه دارای تفاوت هستند تفاوت ایجاد شده ناشی از سیاست رشد بلند مدت ورزشکار ناشی می‌شود که در طی آن کشورهای ژاپن، کره جنوبی، استرالیا، کانادا، آلمان و بریتانیا به مفاهیمی چون شایستگی حرکتی، سواد بدنی و رشد حرکتی در برنامه‌های آموزشی توجه می‌کنند. این سافته‌ها همسو با (Lloyd & Oliver, 2012) می‌باشد. و در مقابل در ایران و چین کمتر به این موارد توجه می‌شود چرا که به دنبال قهرمان پروری و نتیجه گرایی هستند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که در این دو کشور به ورزش کودکان به عنوان مسیری برای بهبود شاخص سلامت عمومی و قهرمان پروری نگاه می‌شود در حالی که در سایر کشورها فرآیندی آموزشی برای رشد همه جانبه کودک در نظر گرفته می‌شود. نتایج گزارش شده تحقیق مطالعه تطبیقی مهارت‌های حرکتی بنیادی کودکان در ایران و کشورهای منتخب جهان: مطالعه مقطعی همسو می‌باشد (صالحی و کاشف، ۱۴۰۰).

دسترسی به امکانات و تجهیزات متناسب با ویژگی‌های رشدی کودکان، یکی از پیش نیازهای اساسی تحقق اهداف سیاست گذاری ورزش کودکان است که در پژوهش حاضر به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که در سطح کلی، کشورهای مورد مطالعه از نظر نوع امکانات ورزشی شباهت‌هایی با یکدیگر دارند، اما از حیث تنوع، کارکرد و نحوه بهره برداری از این امکانات، تفاوت‌های معناداری مشاهده می‌شود. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های Lloyd & Oliver (2021) Varghese et al (2012) همسو است. چنین تفاوت‌هایی می‌توانند به طور مستقیم بر میزان مشارکت، ایمنی و اثربخشی تجربه‌های حرکتی کودکان تأثیرگذار باشند. بر اساس نتایج این مطالعه، امکانات ورزش کودکان را می‌توان در سه دسته کلی امکانات سخت افزاری، آموزشی و رقابتی طبقه بندی کرد. وجود هر یک از این دسته‌ها برای تحقق اهداف سلامت عمومی، آموزشی و استعدادیابی ضروری است. در حوزه امکانات سخت افزاری، مشخص شد که باشگاه‌های ویژه کودکان و پارک‌های بازی در تمامی کشورهای مورد مطالعه به عنوان فضاهای اختصاصی ورزش کودکان در نظر گرفته شده‌اند که این امر بیانگر پذیرش جهانی اهمیت محیط‌های ورزشی متناسب با نیازهای کودکان است. با این حال، در ایران، فقدان یا محدودیت تجهیزاتی نظیر وسایل اختصاصی ورزش کودکان در پارک‌ها، فضاهای شهری و باشگاه‌ها، همچنین کمبود مسیرهای ایمن دوچرخه سواری، در مقایسه با اغلب کشورهای مورد بررسی، نشان دهنده شکاف قابل توجهی در طراحی محیط‌های دوستدار کودک است. در همین راستا، نبود زیرساخت‌های ایمن و متناسب با ابعاد بدنی و توانایی‌های

چندرشته‌ای بودن تیم‌های اجرایی و نظام‌مند بودن آموزش‌ها است؛ موضوعی که ایران را به طور معناداری از سایر کشورها متمایز می‌کند. نتایج حاکی از آن است که ایران عمده‌تاً تنها در آموزش مربیان متخصص دارای وضعیت رسمی است، در حالی که در سایر شاخص‌های نیروی انسانی با کمبود جدی مواجه است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که نظام ورزش کودکان در ایران به رویکردی تک بعدی و مربی محور متکی بوده و از الگوهای چندتخصصی، که برای رشد ایمن و اثربخش کودکان ضروری دانسته می‌شوند، فاصله قابل توجهی دارد. در مقابل، کشورهایی مانند استرالیا، کانادا، آلمان و بریتانیا از الگوی تیم‌های چندرشته‌ای در ورزش کودکان بهره می‌برند (Wan, Dai, Wong, Ho & Tam, 2025) که در آن مربی، روان‌شناس ورزشی کودک، پزشک متخصص، متخصص رشد حرکتی و کارشناس آموزش والدین به صورت هماهنگ فعالیت می‌کنند. این رویکرد با اصول علمی رشد و تحول کودک هم راستا بوده و امکان طراحی برنامه‌های فردمحور، ایمن و متناسب با تفاوت‌های رشدی را فراهم می‌سازد.

نظام پایش و ارزیابی، به عنوان یکی از ارکان اساسی حکمرانی مؤثر (Kaplan & Oakley, 2001)، در ورزش کودکان کشورهای مورد مطالعه جایگاه متفاوتی دارد و میزان بلوغ این نظام به طور مستقیم با تحقق اهداف سیاست گذاری ورزش کودکان مرتبط است. نتایج نشان می‌دهد که کشورهای پیشرو، پایش و ارزیابی را نه به عنوان فعالیتی جانبی، بلکه به عنوان بخشی یکپارچه از چرخه سیاست گذاری، اجرا و بازخورد تلقی می‌کنند (Patton, McKegg & Wehipeihana, 2015). در حوزه فناوری‌های پایش، تفاوت ایران با سایر کشورها به طور معناداری آشکار است؛ به گونه‌ای که در حالی که اغلب کشورهای مورد مطالعه از نرم افزارهای سنجش فعالیت بدنی و سامانه‌های یکپارچه با نظام سلامت برای پایش مستمر وضعیت کودکان استفاده می‌کنند، ایران فاقد چنین زیرساخت‌هایی است. افزون بر این، اگرچه ایران دارای دستورالعمل‌های ملی ارزیابی است، اما در زمینه آموزش معلمان و مربیان و برگزاری دوره‌های ضمن خدمت تخصصی، فاصله قابل توجهی با کشورهای پیشرو دارد. در این کشورها، معلمان و مربیان به عنوان بازیگران خط مقدم پایش، آموزش‌های مستمر و استاندارد دریافت می‌کنند تا داده‌های معتبر و قابل اتکا از وضعیت فعالیت بدنی و مهارت‌های حرکتی کودکان جمع آوری شود. در مجموع، نظام پایش و ارزیابی ورزش کودکان در ایران از نظر ساختاری ناقص و عمده‌تاً مبتنی بر سنجش‌های ایستا و مدرسه محور است، در حالی که کشورهای موفق به سمت الگوهای پویا، فناورانه، مشارکتی و مبتنی بر بازخورد حرکت کرده‌اند. ضعف در بهره‌گیری از

حرکتی کودکان می‌تواند به کاهش فرصت‌های تمرین مهارت‌های حرکتی پایه و افزایش رفتارهای کم تحرک منجر شود (Varghese et al, 2022). Ford, De Ste Croix, Lloyd, Meyers, Moosavi, Oliver, Till, & Williams (2011) نیز گزارش کرده‌اند که کمبود امکانات ورزشی در کشورهای در حال توسعه می‌تواند مشارکت ورزشی کودکان را بین ۳۰ تا ۵۰ درصد کاهش دهد.

بررسی حوزه امکانات آموزشی تفاوت آشکاری میان ایران و سایر کشورهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد. یافته‌ها حاکی از آن است که کشورهای منتخب از مربیان متخصص کودک، برنامه‌های فوق برنامه ورزشی، نرم افزارهای آموزشی، سامانه‌های پایش فعالیت بدنی، رسانه‌های آموزشی و برنامه‌های آموزش والدین بهره می‌برند، در حالی که ایران در بخش قابل توجهی از این مؤلفه‌ها با محدودیت مواجه است. این وضعیت نشان می‌دهد که ورزش کودکان در ایران بیش از آنکه به عنوان یک فرایند آموزشی مبتنی بر شواهد علمی تلقی شود، عمده‌تاً به صورت فعالیتی ساختارمند اما با پشتوانه آموزشی محدود اجرا می‌شود. از منظر علمی، فقدان مربیان متخصص و برنامه‌های آموزشی هدفمند می‌تواند به آموزش نادرست مهارت‌ها، کاهش کیفیت یادگیری حرکتی و حتی افزایش خطر آسیب‌های ورزشی در کودکان منجر شود. در حوزه امکانات رقابتی، به ویژه مسابقات مدرسه‌ای، نتایج نشان داد که ایران در مؤلفه‌هایی نظیر برگزاری لیگ‌های مدرسه‌ای، المپیادهای ورزشی دانش‌آموزی و استفاده از نظام رده بندی سنی، هم راستا با سایر کشورها عمل می‌کند. این امر را می‌توان به عنوان یکی از نقاط قوت نظام ورزش کودکان در ایران تلقی کرد؛ چرا که ساختار رقابتی منظم، در صورت طراحی متناسب با اصول رشدی، می‌تواند به افزایش انگیزه، تقویت مهارت‌های اجتماعی و تداوم مشارکت ورزشی منجر شود. با این حال، عدم حضور ایران در مسابقات بین‌المللی ویژه کودکان و نبود پیوند نظام‌مند میان رقابت‌های مدرسه‌ای و برنامه‌های آموزشی نشان می‌دهد که این رقابت‌ها بیشتر با رویکرد استعدادیابی و نتیجه محور طراحی شده‌اند تا رشد همه جانبه کودک.

وجود منابع انسانی تخصصی، یکی از مؤلفه‌های کلیدی و تعیین‌کننده در نظام ورزش کودکان است که تحقق مؤثر سیاست‌ها و تصمیمات اتخاذشده را تسهیل می‌کند (Bergeron et al, 2015). کیفیت سیاست‌ها، برنامه‌ها و امکانات، بدون حضور نیروی انسانی متخصص و آموزش دیده، عملاً نمی‌تواند به اثربخشی مطلوب منجر شود (Grix, Brannagan & Houlihan, 2024). مقایسه تطبیقی کشورهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که اگرچه آموزش اولیه مربیان در تمامی کشورها وجود دارد، اما تفاوت اصلی در میزان تخصص گرایی،

صالحی، س. ک.، کاشف، م. (۲۰۲۱). مطالعه تطبیقی مهارت‌های حرکتی بنیادی کودکان در ایران و کشورهای منتخب جهان: مطالعه مقطعی. پژوهش در علوم توانبخشی، ۱۷(۱)، ۶۲-۷۱. <https://doi.org/10.48305/jrrs.2023.26562.0>

فراهانی، رئوف، م.، شجیع، ملکی. (۲۰۲۰). مطالعه تطبیقی وضعیت حکمرانی ورزشی در ایران و کشورهای منتخب. فصلنامه علمی پژوهشهای کاربردی در مدیریت ورزشی، ۹(۱)، ۷۵-۹۶.

گل شیرازی، ن.، صفاری، م.، نمازی زاده، م.، نادری، م. ع. (۲۰۲۲). مطالعه تطبیقی باشگاه‌های بازی کودکان در ایران و کشورهای منتخب. مطالعات مدیریت ورزشی، ۳(۷۰)، ۲۱۹-۲۵۹. <https://doi.org/10.22089/smrj.2019.6415.2315>

گیاه شناس بن بازاری، ج.، ساعی، ا.، زیباکلام، ص.، ملک محمدی، ح. ر. (۲۰۲۰). سیاست‌گذاری ورزشی در ایران با تأکید بر مرجعیت‌های چندگانه تصمیم‌گیری. پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی، ۹(۱۸)، ۶۵-۷۶.

مهدی لو، ا.، زارعیان، ا.، & جمشیدی، ا. ح. (۱۴۰۰). ارتباط فعالیت بدنی با درگیری تحصیلی و عوامل روان‌شناختی دانشجویان در دوران قرنطینه. مطالعات روان‌شناسی ورزشی، ۱۰(۳۷)، ۲۸۸-۲۵۹.

فهرست منابع

- Bailey, R., & Morley, D. (2006). Towards a model of talent development in physical education. *Sport, education and society*, 11(3), 211-230.
- Bereday, G. Z. (1967). Reflections on comparative methodology in education, 1964-1966. *Comparative Education*, 3(3), 169-287.
- Bergeron, M. F., Mountjoy, M., Armstrong, N., Chia, M., Côté, J., Emery, C. A., Faigenbaum, A., Hall, G., Kriemler, S., & Léglise, M. (2015). International Olympic Committee consensus statement on youth athletic development. *British journal of sports medicine*, 49(13), 843-851.
- Bloom, D. E., Kuhn, M., & Prettnner, K. (2019). Health and economic growth. In *Oxford research encyclopedia of economics and finance*.
- Chiari, A. P. G., Senna, M. I. B., Gomes, V. E., Freire, M., Soares, A., Alves, C. R. L., Cury, G. C., & Ferreira, R. C. (2023). Intersectoral Collaboration to Promote Child Development: The Contributions of the Actor-Network Theory. *Qual Health Res*, 33(5), 451-467.
- De Bosscher, V. (2018). A mixed methods approach to compare elite sport policies of nations. A critical reflection on the use of

فناوری، آموزش مجریان، مشارکت خانواده‌ها و طراحی مداخلات جبرانی موجب شده است که پایش و ارزیابی در ایران نقش هدایت‌کننده و اصلاحی خود را به طور کامل ایفا نکند.

پژوهش حاضر با رویکرد تطبیقی نشان داد که نظام ورزش کودکان در جمهوری اسلامی ایران، در مقایسه با کشورهای منتخب، علی‌رغم برخورداری از برخی ظرفیت‌ها مانند ساختار رقابت‌های مدرسه‌ای، با چالش‌های معناداری در حوزه حکمرانی چندبخشی، هماهنگی نهادی، بهره‌گیری از فناوری، توسعه نیروی انسانی تخصصی و استقرار نظام‌های پایش و ارزیابی مواجه است. یافته‌ها بیانگر آن است که کشورهای موفق، ورزش کودکان را در قالب چارچوب‌های ملی یکپارچه، مشارکتی و سلامت محور طراحی و اجرا می‌کنند، در حالی که رویکرد غالب در ایران همچنان بخشی، متمرکز و نتیجه‌گرا است. فقدان سازوکارهای مؤثر همکاری بین نهادی و مشارکت محدود نهادهای فرهنگی و مدنی، اثربخشی سیاست‌های موجود را کاهش داده است. همچنین ضعف زیرساخت‌های آموزشی، فناورانه و محیط‌های دوستدار کودک، فرصت‌های رشد حرکتی پایدار را محدود می‌کند. بر این اساس، بازنگری در سیاست گذاری ورزش کودکان با تأکید بر حکمرانی مشارکتی، رویکرد رشد بلندمدت، توسعه نیروی انسانی چندتخصصی و استقرار نظام‌های پایش مبتنی بر شواهد، به عنوان الزامی راهبردی برای ارتقای کیفیت ورزش کودکان در ایران قابل طرح است.

موازن اخلاقی

در این مطالعه اصول اخلاق در پژوهش شامل اخذ رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان و حفظ اطلاعات محرمانه آنها رعایت گردیده است.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران مراتب قدردانی و تشکر خود را از کلیه شرکت‌کنندگان این پژوهش که با استقبال و بردباری، در روند استخراج نتایج همکاری نمودند، اعلام می‌دارند.

تعارض منافع

نویسندگان این مطالعه هیچ گونه تعارض منافی در انجام و نگارش آن ندارند.

منابع فارسی

- جوادی پور، ج.، رهبری. (۲۰۱۷). شناسایی مولفه‌های مؤثر بر سیاست‌گذاری ورزش همگانی ایران. سیاست نامه علم و فناوری، ۳(۳)، ۷۵-۸۴.

- Organization, W. H. (2022). Promoting physical activity through schools: Policy brief.
- Organization, W. H. (2024). Global levels of physical inactivity in adults: off track for 2030. World Health Organization.
- Owusu-Sekyere, F. (2017). Conceptualising safety culture for safeguarding children in sport Brunel University London .
- Patton, M. Q., McKegg, K., & Wehipeihana, N. (2015). Developmental evaluation exemplars: Principles in practice. Guilford publications .
- Rich, K. A., & Losardo, D. (2025). Community sport organizations, regional governance, and sport policy implementation in Ontario, Canada. *Front Sports Act Living*, 7, 1549966.
- Safari, o., safari, gholamreza, niknam, mohamad, azadifar, sogra, ghafari, fatemeh. (2024). Identify and analyze the factors affecting the institutionalization of sport culture in children and adolescents. *Innovation in Sports Management*, 3(1), 0-0.
<https://doi.org/10.30495/jism.2023.73021.1034>
- Teixeira, M. R. C., & Ribeiro, T. M. P. (2016). Sport Policy and Sports Development: Study of Demographic, Organizational, Financial and Political Dimensions to the Local Level in Portugal. *The Open Sports Sciences Journal*, 9, 26-34.
<https://doi.org/https://doi.org/10.2174/1875399X01609010026>
- Varghese, M., Ruparell, S., & LaBella, C. (2022). Youth Athlete Development Models: A Narrative Review. *Sports Health*, 14(1), 20-29.
- Wan, K.-w., Dai, Z.-h., Wong, P.-s., Ho, R. S.-t., & Tam, B. T. (2025). Comparing the effects of integrative neuromuscular training and traditional physical fitness training on physical performance outcomes in young athletes: a systematic review and meta-analysis. *Sports Medicine-Open*, 11(1), 15.
- World Health Organization. (2022). Global status report on physical activity 2022: country profiles. World Health Organization .
- composite indicators in the SPLISS study. In *Research Methodologies for Sports Scholarship* (pp. 173-197). Routledge .
- Ford, P., De Ste Croix, M., Lloyd, R., Meyers, R., Moosavi, M., Oliver, J., Till, K., & Williams, C. (2011). The long-term athlete development model: Physiological evidence and application. *Journal of sports sciences*, 29(4), 389-402 .
- France, A., Dickson, G., McDonald-Kerr, L., & Ozdil, E. (2024). A scoping review of sport organisations' accountability. *Managing Sport and Leisure*, 1-36 .
- Grix, J., Brannagan, P. M., & Houlihan, B. (2024). Comparative elite sport development: systems, structures and public policy. Routledge .
- He, H., Yang, Y., Sun, J., Wang, F., Zhang, W., & Zhu, F. (2025). Effects of school-based physical activity on academic achievement in children and adolescents: a systematic review and meta-analysis. *Frontiers in Public Health*, 13, 1651883 .
- Houlihan, B., & Mangset, P. (2007). Sport policy: A comparative analysis of stability and change. Taylor & Francis .
- Hulteen, R. M., Smith, J. J., Morgan, P. J., Barnett, L. M., Hallal, P. C., Colyvas, K., & Lubans, D. R. (2017). Global participation in sport and leisure-time physical activities: A systematic review and meta-analysis. *Preventive medicine*, 95, 14-25 .
- Jamshidi Eini, S., Razavi, S. M. H., & Doosti, M. (2021). A comparative study of school sports in Finland, Denmark, Germany, the United Kingdom, the United States and Iran. *Research on Educational Sport*, 9(24), 43-76 .
- Kaplan, L., & Oakley, K. L. (2001). Cost considerations for long-term ecological monitoring. *Ecological indicators*, 1(2), 123-134 .
- Kirk, D. (2019). Precarity, critical pedagogy and physical education. Routledge .
- Lloyd, R. S., & Oliver, J. L. (2012). The youth physical development model: A new approach to long-term athletic development. *Strength & Conditioning Journal*, 34(3), 61-72 .